

چیانگ زِمین متهم به **آزار و سرکوب «فالون گونگ»**

هزاران شکایت علیه دیکتاتور



تجارت اعضای بدن، سنگین‌ترین بخش پرونده چیانگ‌زِمین

بخش مهمی از پرونده‌های قضائی که علیه چیانگ‌زِمین شکل گرفته است، مربوط به تجارت اعضای بدن انسان‌های زنده می‌شود. مجله ویکی‌استاندارد، به نقل از «اتان گاتمن»، محقق و نویسنده، می‌گوید دست‌کم ۶۵ هزار تمرین‌کننده فالون‌گونگ، قربانی تجارت اعضای بدن در چین شده‌اند. مسلمانان اویغور، ساکنان تبت و زندانیان عقیدتی، بخشی از قربانیان هستند، اما عمده قربانیان کسانی بوده‌اند که فالون‌گونگ را تمرین می‌کرده‌اند. طبق شواهد و مدارک، عواملی از حزب کمونیست چین در ۱۶ سال اخیر از طریق بیمارستان‌ها، زندان‌ها و اردوگاه‌های کار اجباری اقدام به برداشتن اندام حیاتی بدن ده‌هزار انسان زنده کرده‌اند. دو وکیل کانادایی به نام دیوید ماتاس و دیوید کیلگور در گزارشی به نام «محصول خونین»^۱ با ارائه ۵۲ مدرک معتبر در حدود ۲۰۰ صفحه، اثبات کرده‌اند جداسازی اعضای بدن هزاران تمرین‌کننده فالون‌گونگ که منجر به مرگ آنان شده، در بیمارستان‌های دولتی و نظامی چین روی داده است. در دسامبر ۲۰۱۳ پارلمان اروپا رای به محکومیت برداشت اجباری اعضای بدن زندانیان حکومت چین داد. اخیرا مشابه این اعمال رعب‌آور در مقیاس کوچک‌تر به وسیله گروه تروریستی داعش یا طبق برخی گزارش‌ها به دست رژیم اسرائیل نیز انجام شده است.

روزنامه واشنگتن‌پُست، در گزارشی درباره یک جراح چینی که در عمل جداسازی اعضای پیوندی زندانیان دست داشته است، بر این واقعیت صحه می‌گذارد. همچنین «ادوارد مک میلان‌اسکات»، نایب‌رئیس پارلمان اروپا در سفری به چین، در گفت‌وگو با شاهدان عینی وقایع فوق را تأیید می‌کند.^۲ دیوید کیلگور، از نویسندگان گزارش محصول خونین، در ژوئن ۲۰۱۵، نتایج تحقیقات خود را در کنگره علوم اجتماعی و انسانی مستقر در اتاوا ارائه داد. وی اظهار کرد: «چیانگ زمین به عنوان شخصی که آزار و شکنجه فالون‌گونگ را آغاز کرد، باید به خاطر آنچه مرتکب شده در دیوان کیفری بین‌المللی محاکمه شود». وی افزود: «من به عنوان فردی که در گذشته دادستان بودم، می‌توانم بگویم که این رؤیای هر دادستانی است که چیانگ را به دیوان بین‌المللی کیفری در لاهه تحویل دهد و مطمئن هستم هزاران دادستان در سراسر دنیا و در چین از انجام این کار خوشحال می‌شوند».

«دیوید ماتاس»، وکیل حقوق بشر و دیگر نویسنده گزارش «محصول خونین»، افزایش پرونده‌های حقوقی علیه چیانگ و پذیرش آنها از سوی دادستانی را روندی امیدبخش می‌داند. ماتاس می‌افزاید: «هرگز هیچ حکومتی چنین نکرده است که گروه بزرگی از مردم را دستگیر کند و بگوید شما را می‌کشیم». بدون اینکه حتی محاکمه‌تان کنیم و اندام‌های حیاتی بدن‌تان را می‌فروشیم!». ماتاس، سال ۲۰۱۰ به خاطر پژوهش‌های خود کاندیدای جایزه صلح نوبل شد. ماتاس و کیلگور، جایزه جامعه بین‌المللی حقوق بشر سوئیس را نیز دریافت کرده‌اند.

 	گرچه سرگونی مقامات چینی به وسیله دولت به دلیل فساد مالی و سوءاستفاده از قدرت بوده اما مهم‌ترین دلیلی که چیانگ زمین را به میز محاکمه نزدیک کرده است، نقض گسترده حقوق شهروندان چینی از طریق آزار و شکنجه افرادی است که به تمرین روش مغربی فالون‌گونگ (فالون دافا) گرایش دارند.	
---	---	--



ماهیت این جدال برای مردمی که خارج از چین زندگی می‌کنند درک‌نشدنی است. برای آنها این پرسش وجود دارد که چرا درحالی‌که مردم و دولت‌ها در کشورهای زیادی از فالون‌گونگ استقبال کرده‌اند، در داخل چین شیدها به آنها غضب شده است. برای پاسخ می‌توان به تاریخ سه دهه اخیر رجوع کرد. در اوایل دهه ۱۹۹۰ تأثیرات مثبت فالون‌گونگ در سلامتی مردم باعث شد تعداد افرادی که فالون‌گونگ را تمرین می‌کردند به مرز صدمیلیون نفر برسد. از طرفی مردم چین پس از سال‌ها تسلط اندیشه ضدخدایاوری کمونیسم بر جامعه، تشنه آن بودند که از راهی صحیح به فرهنگ سنتی و معنوی خود بازگردند. در آن زمان مقامات چین از تأثیر مثبت فالون‌گونگ بر جامعه آگاه بودند؛ به طوری‌که به نقل از نشریه بین‌المللی (US News and World Report) مقامات ورزش چین رسماً اذعان داشتند صد میلیون تمرین‌کننده فالون‌گونگ می‌توانند باعث صد میلیارد یوان صرفه‌جویی در هزینه‌های پزشکی کشور شوند. اما وقتی تعداد مردمی که به تمرین فالون‌گونگ روی آوردند از تعداد اعضای حزب کمونیست پیشی گرفت، چیانگ‌زِمین و متحدانش، فالون‌گونگ را در جذب توده‌های مردم، رقیب خود دیدند. از طرفی آموزش‌های سنتی فالون‌گونگ با تفکر گفترآمی کمونیسم در تضاد بود و آن را به چالش می‌کشید. اکثر اعضای حزب کمونیست قلبا با ایدئولوژی آن موافق نبودند. این در حالی بود که مردم به طور روزافزون به فالون‌گونگ گرایش پیدا می‌کردند و داوطلبانه در کلاس‌های آن حضور می‌یافتند. در کتاب «نه شرح و تفسیر درباره حزب کمونیست» نقل شده است زمانی که آقای لی هُنْجِی، پایه‌گذار فالون‌گونگ سخنرانی می‌کرد، تالار سخنرانی مملو از استادان دانشگاه، متخصصان و دانشجویان بود. بسیاری از افراد از عامه مردم گرفته تا افراد با تحصیلات عالی، با پامدون هزاران مایل خود را به محل سخنرانی می‌رساندند. آقای لی‌هَنجیگی ساعت‌ها به شیوایی سخنرانی می‌کرد، بدون آنکه از متنی استفاده کند. سپس سخنرانی‌ها به صورت کتاب بارها چاپ می‌شد و در مدت کوتاهی نایاب می‌شد. این در حالی بود که چیانگ‌زِمین، مدت‌ها به مغز خود فشار آورد و تنها توانست سه جمله بنویسد و آنها را «نمودهای سه‌گانه» نامید. این سه جمله به صورت کتابی منتشر و در تمام کشور پخش شد. مردم آن را می‌خریدند؛ چراکه مجبور بودند. حسادت چیانگ‌زِمین اجازه نمی‌داد چنین چیزی را تحمل کند. رویکرد سیاسی چیانگ همواره با شعار «تمام تمام عوامل بی‌نیاتی را در نطفه خفه کنید»، همراه بود؛ به‌طوری‌که قتل عام دانشجویان در میدان تیان‌ان‌من در چهارم ژوئن ۱۹۸۹، جهشی برای به‌قدرت‌رسیدن وی بود. چیانگ پیش از رسیدن به دبیرکلی حزب، با سرکوب روزنامه آزادی‌خواه پوک اقتصاد جهان و دستگیری رهبر کنگره مردمی، مسیر خود را هموار کرد.

دادگاه، ایستگاه آخردیکتاتورچینی

چیانگ‌زِمین، از راه قراردادن نزدیکان خود در قدرت، توانست جایگاهش را تثبیت کند. «ژو یونگ‌کانگ»، یکی از مهم‌ترین متحدان او بود. مردم چین، ژو را قدرتمندترین مرد چین می‌دانستند. او در راس تمامی نهادهای قدرتمند امنیتی و قضائی ایستاده و همه جنبه‌های امنیتی، سیاسی و پلیس در کشور را کنترل می‌کرد. ژو تا سال ۲۰۱۲ عضو کمیته دائمی سیاست‌پو بود. پو‌لیت‌بورو نهاد ارشد تصمیم‌گیری سیاسی چین است که بالاترین سطح قدرت سیاسی کشور را در دست دارد. پرونده قطور فساد ژو در اوایل سال ۲۰۱۵ بررسی شد. در نهایت ژو پس از محاکمهای طولانی به حبس ابد محکوم شد. «بو شی‌لای»، یکی دیگر از اعضای بسیار قدرتمند حزب کمونیست چین و از متحدان چیانگ‌زِمین بود. وی در سال ۲۰۱۳ به اتهام فساد و سوءاستفاده از قدرت در دادگاه به حبس ابد محکوم شد. وی در ماجرای جداسازی اعضای بدن و گسترش زندان‌ها و اردوگاه‌های کار اجباری چین، نقش فعالی داشت. بو شی‌لای یکی از پنج مقام چینی است که در نوامبر ۲۰۰۹ در دادگاهی در اسپانیا برای اعمال مجرمانه‌اش متهم شناخته شد. فقط در دو سال اخیر، حدود ۱۲۰هزار مقام چینی در سطوح مختلف، به جرم فساد بازداشت و مجازات شده‌اند. از این تعداد، ۱۹ هزار مورد مربوط به نیمه نخست سال ۲۰۱۵ بوده است. یک دادگاه عالی کیفری در آمریکای جنوبی در آوریل ۲۰۱۳، محاکمه چیانگ‌زِمین و «لو کان»، عضو سابق کمیته دائمی حزب کمونیست را در دستور کار قرار داد. کمی پیش‌تر این دادگاه، قراری بین‌المللی صادر کرده بود و در آن از پلیس بین‌الملل خواسته بود این دو نفر به هنگام ترک چین، بازداشت و محاکمه شوند. در این دادگاه علاوه بر چیانگ‌زِمین، حکم بازداشت بین‌المللی چهار نفر از دیگر رهبران کمونیست صادر شد. «لی پَنگ»، یکی از آنان بود. وی در زمان نخست‌وزیری در سرکوب تبتی‌ها و نیز در قتل عام میدان تیان‌ان‌من نقش داشت. دیگری «چیانو شی»، رئیس امنیت سابق و رئیس پلیس مسلح مردمی چین بود که در طول مدت حکومت نظامی تبت در اواخر دهه ۱۹۸۰ در سرکوب‌ها نقش داشت. دو نفر دیگر «چن کیو یوان»، دبیر حزب و «بَنگ پیه لُون»، از اعضای کابینه بود. اما انتظار می‌رود محاکمه قریب‌الوقوع چیانگ‌زِمین با تمام محاکمات فوق تفاوت داشته باشد. محاکمه‌ای که متعاقب آن دادگاه‌هایی بزرگ‌تر در پیش خواهد بود و برگ تازه‌ای از تاریخ را ورق خواهد زد. آنچه دراین‌میان تعیین‌کننده است، «انتخاب» درست هر فرد است.

بی‌نوشت:

(۱) گزارش کامل مخبر سازمان ملل در این سایت قابل دسترس است:

falunhr.org

(۲) محصول خونین (Bloody Harvest)، قابل دسترسی در سایت:

organharvestinvestigation.net

(۳) گزارش کامل او در وب‌سایت شخصی‌اش قرار دارد

emcmillansscott.com

جهان

یادداشت

موج دوم مبارزه باداعش

مقامات فعلی و پیشین آمریکایی بر این باورند که واشنگتن در یافتن اهدافش بر منابع غیرمتداول اطلاعاتی تکیه کرده است؛ دسترسی به حساب‌های بانکی که نشان می‌دهند کدام پالایشگاه‌ها و حلقه‌های نفتی برای داعش درآمد بیشتری دارند. هدف از این کار، قطع منابع مالی داعش از طریق پیگیری روابط باقی مانده آن با سیستم اقتصاد جهانی است. با شناسایی پول‌هایی که به این گروه وارد یا از آن خارج می‌شوند، مقامات آمریکایی خواهند توانست نگاهبی به چگونگی فعالیت بازار سیاه این گروه داشته باشند. این مقامات می‌گویند این اقدام تصمیم‌گیری درباره هدف‌گیری در حملات هوایی را پیش از حملات ۱۳ نوامبر داعش تحت‌تأثیر قرار می‌داد و پس از این حملات تشدید شد. هم‌زمان با محدودشدن دسترسی داعش به سیستم رسمی بانک، هنوز هم روابطی با سیستم اقتصاد جهانی وجود دارد که ارتش آمریکا و مقامات اقتصادی می‌توانند از آنها علیه داعش استفاده کنند. «متیو لویت»، معاون دستیار رئیس اطلاعات وزارت خزانه‌داری آمریکا در دوران «جورج بوش»، رئیس‌جمهوری سابق آمریکا، در این‌باره می‌گوید: این اقدام بسیار خوبی است که بتوانیم داعش را از سیستم رسمی اقتصادی خارج کنیم. اما ما کاملاً هم موفق نبوده‌ایم. گزارشی از «نیروی ضربت اقدام مالی» بین‌دولتی نشان می‌دهد که بیش از ۲۰ مؤسسه مالی سوری در مناطق تحت کنترل داعش فعال هستند. در عراق وزارت خزانه‌داری با همکاری مقامات دولتی به‌دنبال قطع شعبه‌های بانک‌های هستند که اکنون در مناطق تحت کنترل داعش قرار دارند. «جرالد روبرتز»، رئیس بخش عملیات مالی تئوریست‌ها در اف‌بی‌آی، در این‌باره می‌گوید عضوگیری داعش از خارج از سوریه همواره با ردیاهای مالی همراه است که مقامات می‌توانند از آنها استفاده کنند. شبکه اجرایی جرایم اقتصادی وزارت خزانه‌داری آمریکا، از مجموعه‌ای از «قوانین تجاری» برای رصد حدود ۵۵ هزار گزارش روزانه که فعالیت‌های داعش را شامل می‌شوند استفاده می‌کند. سخنگویان این شبکه از توضیح این قوانین خودداری کردند اما برخی از منابع اجرای قانون می‌گویند، اسامی، آدرس‌ها، ایمیل‌ها و شماره‌تلفن‌ها اطلاعاتی هستند که مقامات اطلاعاتی درصدد ردیابی و مرتبط‌کردن آنها هستند. استفاده از سوابق مالی مرتبط با داعش تنها بخشی از فعالیت جمع‌آوری اطلاعات برای حملات هوایی در سوریه است که شامل متدهایی چون شناسایی پهبادی هم می‌شود.

مقامات دفاعی آمریکا تخمین می‌زنند که داعش به‌عنوان گروهی تروریستی که آمریکا آن را ترولتمندترین گروه تروریستی تاریخ می‌نامد، تا پیش از اکتبر در هر ماه از فروش نفت حدود ۴۷ میلیون دلار کسب درآمد می‌کرده است. از آن ماه ارتش آمریکا اقداماتش برای هدف قراردادن زیرساخت‌های نفتی داعش را با شدت افزایش داد و این تشدید حملات «موج دوم» نام گرفت. مقامات آمریکایی معتقدند نابودی منابع مالی داعش در نهایت توان داعش در کنترل مناطق اشغال‌شده در عراق و سوریه را تضعیف می‌کند چراکه این گروه به منابعی نیاز دارد که به وسیله آنها حقوق‌های ماهانه را پرداخت کرده و ساخت‌وسازهای دولتی را ادامه دهد. دراین‌میان کارشناسان هشدار می‌دهند که گروه داعش که منطقه‌ای به اندازه اتیرش را تحت کنترل خود دارد، با توجه به در دست‌داشتن راه‌های کسب درآمد متعدد ثروت گسترده‌ای اندوخته است. به گفته «توماس سندرسون»، کارشناس مسائل تروریسم، این گروه با فروش نفت، اخاذی و فروش تلویزییونی که از عملکرد سبسی در رسیدگی به مردم سبیل‌زده انتقاد کرده بود، از کارش تعلیق شد. به گزارش شبکه عربی اطلاعات حقوق‌بشر، ۶۲ نفر از فعالان رسانه‌ای در دوران سبسی بازداشت شده‌اند. رژیم تلاش می‌کند تا منتقدان را ساکت کند اما باید بداند که ساکت‌کردن روزنامه‌نگاران تنها در برهه زمانی کوتاهی جواب می‌دهد و درنهایت این اقدامات تنها سبب تشدید ناامیدی در جامعه و شکنندگی وضعیت خواهند شد.

نگاه

زندنان بزرگ سیاسی به نام «مصر»

مونا طحاوی . روزنامه‌نگار مصری

روزهای شومی در مصر سپری می‌شوند. این کشور هنوز هم به دلیل اخبار مربوط به سقوط هوایمای روسی که در ماه گذشته باعث کشته‌شدن ۲۲۴ نفر شد در رسانه‌ها مطرح می‌شود.
باین‌حال، برای بسیاری، اشک‌های «اسرا الطویل» جوان ۲۳ ساله‌ای که در رژیم نظامی تحت حمایت رئیس‌جمهوری عبدالفتاح السیسی به حبس ابد محکوم شده، جالب‌توجه نیست.

در تاریخ یکم ژوئن، او را سوار یک ون کردند و به یکی از تأسیسات مرکز امنیت ملی برده شد. او با چشم‌بند و بدون اجازه دسترسی به وکیل در زندان انفرادی نگه داشته شد. حکم بازداشت‌ها تمدید و بیش از ۱۷۰ روز در بازداشت نگهداری شد. اتهام وارده علیه او سازماندهی غیرقانونی تظاهرات، ارتباط با اخوان‌المسلمین و انتشار اطلاعات نادرست و کذب بود. او تمامی اتهامات وارده‌اش را رد کرد. رژیم هزاران نفر از مردم از طیف‌های مختلف سیاسی را به زندان انداخته است. رژیم می‌داند که مرتبط‌کردن هر فردی به اخوان‌المسلمین بدون درنظرگرفتن شواهد به معنی ازدست‌دادن حمایت مردمی از آن فرد است.
باین‌حال، مصیبتی که بر سر خانم الطویل آمده متفاوت است. در تاریخ دوم نوامبر در جلسه پیش از محاکمه، خانم طویل خواشش کرد که دادگاه به او اجازه دسترسی به مراقبت‌های پزشکی و بازگشت به خانه را بدهد. درعوض، قاضی مدت بازداشت را ۲۵ روز دیگر تمدید کرد. پس از ماه‌ها صبر و شکیبایی خانم الطویل در دادگاه به حالت انفجار رسید. تصاویر گریه او به‌طور گسترده‌ای در رسانه‌های اجتماعی به اشتراک گذاشته شد و فعالان برجسته و سیاستمداران خواستار پایان‌دادن به این مصیبت شدند. در تاریخ نهم نوامبر وضعیت به بدترین شکل ممکن رسید. آژانس امنیت داخلی مصر مطالبی را منتشر کرد که مدعی شده بود اعتراضات خانم طویل بوده است. در این اعتراضات مالی آمده بود که او درصدد ترور مقامی ارشد که نامش ذکر نشده با استفاده از یک وسیله انفجاری پنهان‌شده در دوربینش بوده است، وکیل خانم طویل اظهار کرد که ادعاهای منتشرشده ساختگی هستند. من در سال‌های اخیر در این‌باره نوشته‌ام. باوجود آنکه رژیم مصر بی‌رحم است و از شیوه‌های ناعادلانه بهره می‌برد، بی‌رحمی آن با کمک دولت‌های دیگر تشدید می‌شود؛ دولت‌هایی که روابط تجاری خود را با آن کشور حفظ کرده‌اند و کمک‌های تسلیحاتی را با حسن‌تعبیر «باری‌رسانی به حفظ ثبات» ادامه می‌دهند.

رژیم آقای سیسی جنگ را نه‌تنها علیه مخالفان سیاسی که علیه گروه‌های مختلف اجتماعی از جمله رقصنده‌ها، هنرمندان موسیقی پاپ نیز در پیش گرفته است. خانم طویل یکی از جوانانی است که توسط رژیم با رویکردی ظالمانه به بند کشیده شده‌اند.



چرا باید او را چشم‌بسته به زندان برود؟ چرا باید در شرایطی قرار داشته باشد که با چوب زیر بغل راه برود؟ برخی اوقات این احساس دست می‌دهد که هیچ چیزی تغییر نکرده است. تنها جزئیاتی که من از آنها باخبر می‌شوم، نام بازداشت‌شدگان تازه است و همچنین نام دیکتاتوری که تغییر کرده است؛ اگر تا پنج‌سال پیش «حسینی مبارک» نام داشت اکنون سیسی است. سخت‌ترین بخش زمانی است که در میان نام‌های جدید، نام فردی مانند «مصطفی ماصونی»، یک دوتیرینگ فیلم ۲۶ ساله، را می‌شنوم که ماه‌هاست مفقود شده است. خانواده و دوستان او معتقد بودند که او ناپدید شده است اما اکنون مشخص شده که در بازداشت وزارت کشور به‌سر می‌برد. کمیسیون مصری برای حقوق و آزادی‌ها، یک‌هزار و ۴۱۱ مورد از ناپدیدشدن‌های اجباری را در سال جاری میلادی ثبت کرده است. در یک مورد اخیر در اسکندریه یک عروس و داماد در زمان برگزاری مراسم ازدواجشان بازداشت شدند. مصر درحال حاضر ۴۰هزار زندانی سیاسی دارد.

باین‌حال، سایر کشورها برای آقای سیسی فشرش قرمز بهن می‌کنند. تنها در هفته‌های اخیر کشورهایی چون هندوستان و بریتانیا از او در جریان سفرش استقبال کردند. دور نخست انتخابات پارلمانی اخیر در مصر که در ماه اکتبر برگزار شد با رضایت متحدان جهانی او همراه بود و آنان به دروغ اعلام کردند که مصر در حال پیشرفت به‌سوی دموکراسی است.

کنترل دولت نیز به شکل سابقه‌ای در حال افزایش است. پس از سقوط هوایمای روسی، رسانه‌های دولتی به‌صورت کورکورانه از پذیرش این موضوع که حمله به دلیل بمب‌گذاری تروریستی بوده خودداری کردند؛ امری که اکنون مقام‌های روسیه نیز آن را پذیرفته‌اند. درعوض، دولت مصر بر این باور است که کشورهای خارجی درصدد هستند با ایجاد هراس عمومی به صنعت گردشگری و اقتصاد مصر آسیب بزنند. دولت وعده داده بود که پس از حمله اشتباهی ارتش در ماه سپتامبر که باعث کشته‌شدن جهانگردان مرکزی در صحرای غربی شد دلایل را بررسی خواهد کرد. باین‌حال، دادستان به رسانه‌ها دستور داده بود که هیچ جزئیاتی درباره این حادثه منتشر نشوند. دراین‌میان یک روزنامه‌نگار محقق بازداشت شد و مورد بازجویی قرار گرفت، همچنین یک مجری تلویزیونی که از عملکرد سبسی در رسیدگی به مردم سبیل‌زده انتقاد کرده بود، از کارش تعلیق شد. به گزارش شبکه عربی اطلاعات حقوق‌بشر، ۶۲ نفر از فعالان رسانه‌ای در دوران سیسی بازداشت شده‌اند. رژیم تلاش می‌کند تا منتقدان را ساکت کند اما باید بداند که ساکت‌کردن روزنامه‌نگاران تنها در برهه زمانی کوتاهی جواب می‌دهد و درنهایت این اقدامات تنها سبب تشدید ناامیدی در جامعه و شکنندگی وضعیت خواهند شد.

ترجمه: نوژن اعتضادالسلطنه / منبع: نیویورک‌تایمز